یادداشت

پول داریم اما تولید نه!

هر روز شانس خلق ثروت پایدار برای مردم ایران کمتر از دیروز می‌شود

حسام خواجه‌پور
کارشناس اقتصادی

«جیب خالی، پز عالی» احتمالا بهترین ضرب‌المثلی است که می‌تواند وضعیت واقعی اقتصاد ایران را نشان دهد. بررسی جریان نقدینگی و مقایسه آن با تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد پول در اقتصاد ایران به شکل مستمر، میان بخش‌های مختلف جابه‌جا می‌شود، بدون آنکه الزاما منجر به خلق ارزش افزوده واقعی شود. داده‌های گزارش تیرماه شاپرک در سال جاری حکایت از حقیقتی تلخ دارند. مقایسه ارزش تراکنش‌های الکترونیکی با تولید ناخالص داخلی (GDP) نشان می‌دهد که در برخی مقاطع، مجموع ارزش تراکنش‌های شاپرک حتی از GDP اسمی کشور نیز فراتر رفته است؛ پدیده‌ای که عموما در اقتصادهای درگیر تورم‌های مستمر و کم‌رمق از منظر تولید رخ می‌دهد. چراکه GDP تصویر کاملی از کل جریان نقدینگی در اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران نیست. در مقابل اما شاپرک تمام مبادلات پولی -چه نهایی و چه واسطه‌ای- را پوشش می‌دهد و می‌تواند تصویر دقیق‌تری از واقعیت‌های موجود دهد. واقعیتی که حامل یک پیغام صریح است: «گردش نقدینگی در یک اقتصاد تورمی و غیرمولد».

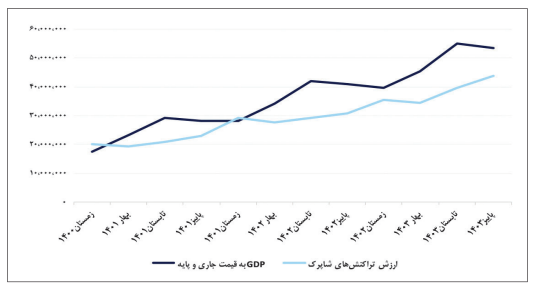

قیاس روند فصلی ارزش تراکنش‌های شاپرک و تولید ناخالص داخلی (صفحه ۲۲ گزارش تیرماه شاپرک)

تورم؛ موتور پنهان رشد تراکنش‌ها

بررسی گزارش تیرماه شاپرک نشان می‌دهد که رشد اسمی ارزش تراکنش‌ها نسبت به سال گذشته با ۳۶.۵ درصد افزایش مواجه بوده است، این درحالی است که رشد حقیقی ارزش تراکنش‌ها بعد از تعدیل نرخ تورم به ۳.۲۵ درصد می‌رسد. همه اینها یعنی در شرایطی هستیم که مردم همان کالاها و خدمات را با قیمت‌های بالاتر می‌خرند، نه بیشتر و این فاصله میان رشد اسمی و حقیقی، همان شکاف تورمی است که تصویر آن در آیینه نظام پرداخت کشور افتاده است.

روزگار غریب سفته‌بازها

اقتصاد به وعده‌ها، تهدیدها و تحدیدها کاری ندارد، راه خودش را می‌رود. وقتی مجموع ارزش تراکنش‌ها از GDP عبور می‌کند، وقتی روزگار، روزگار حکمرانی تورم لجام‌گسیخته است و وقتی شرایط تنش‌زا در کشور، از جذب سرمایه یک رؤیا می‌سازد، اقتصاد ایران بیش از آنکه بر تولید تکیه کند، بر چرخش سریع پول استوار می‌شود. چرخشی که نه‌تنها بیشتر در خدمت مبادلات واسطه‌ای، سفته‌بازی و حفظ ارزش دارایی‌هاست، بلکه به افزایش نقدینگی سمی دامن می‌زند و هر روز شانس خلق ثروت پایدار را برای مردم ایران کمتر از دیروز می‌کند. محصول چنین شرایطی بدون تردید وابستگی به گردش غیرمولد نقدینگی، تورم پایدار و کاهش قدرت خرید خانوارهاست؛ چرخه باطلی که همه ما مدت‌هاست در آن افتاده و اسیر شده‌ایم. راه برون‌رفت از چرخه تراکنش‌های غیرمولد و تورم پایدار، صرفا در گرو مهار رشد پول نیست، بلکه به یک بسته سیاستی جامع نیاز دارد. نخست باید انضباط پولی و مالی برقرار شود؛ رشد نقدینگی بی‌پشتوانه و خلق اعتبار بانکی در مسیرهای غیرمولد باید متوقف شود و بودجه دولت نیز به‌جای تأمین از طریق چاپ پول و بدهی‌افزایی، به سمت انضباط و شفافیت سوق پیدا کند. در کنار آن، اقتصاد نیازمند افق روشن و ثبات مقرراتی است تا سرمایه‌گذار بداند که در برابر ریسک‌های سیاستی چگونه می‌تواند آینده‌نگری کند. تأمین مالی تولید نیز باید بر بستر ابزارهای بلندمدت مانند بازار بدهی شرکتی، صندوق‌های پروژه و مشارکت‌های عمومی-خصوصی شکل بگیرد تا سرمایه به سمت فعالیت‌های مولد و صادرات‌گرا هدایت شود. این تحول بدون افزایش بهره‌وری سرمایه و حمایت از نوآوری در زنجیره‌های ارزش ممکن نخواهد بود. در سطح نهادی، شفافیت در داده‌های پرداخت و تفکیک تراکنش‌های واسطه‌ای از نهایی اهمیت دارد؛ چراکه فقط در این صورت می‌توان سلامت گردش نقدینگی را پایش کرد. در همین راستا، تعمیق بازار سرمایه و گسترش ابزارهای پوشش ریسک می‌تواند مسیر سرمایه‌گذاری‌های واقعی را تقویت کند. در نهایت، هیچ سیاستی بدون بازسازی اعتماد عمومی پایدار نمی‌ماند. تضمین حقوق مالکیت، پیش‌بینی‌پذیری قوانین و پرهیز از مداخلات دستوری، سه رکن اصلی احیای اعتماد و بازگرداندن نقدینگی از سفته‌بازی به تولید هستند. فقط در پرتو این سه‌گانه، کنترل پول، حمایت از تولید و بازسازی اعتماد، می‌توان امید داشت که پول در خدمت ثروت‌آفرینی قرار گیرد، نه تورم‌آفرینی.

خبر

پایان پرداخت یارانه به پولدارها

از ابتدای امسال وزارت رفاه با همکاری سازمان هدفمندی یارانه‌ها در راستای اجرای قانون بودجه سال ۱۴۰۴ حذف یارانه نقدی دهک‌های هشت، ۹ و ۱۰ را آغاز کرده و تا پایان سال همه این دهک‌ها از فهرست یارانه‌بگیران خارج می‌شوند. به گزارش ایسنا، تا همین چند ماه قبل ۱۵۰ هزار ایرانی مقیم خارج از کشور یارانه نقدی دریافت می‌کردند. در راستای اجرای بند «پ» تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۴۰۴ مصوب مجلس، دولت مکلف است در سال جاری یارانه نقدی دهک‌های هشتم، نهم و دهم را که خانوارهای پردرآمد محسوب می‌شوند، حذف کند که این روند از فروردین امسال با خروج ۴۳۶ هزار نفر از یارانه نقدی آغاز شده است. با توجه به مسئولیت وزارت رفاه در تعیین دهک‌بندی و حذف یارانه خانوارهای پردرآمد، از ابتدای سال جاری این فرایند به صورت ماهانه از طرف سازمان هدفمندی با استفاده از داده‌هایی که وزارت رفاه در اختیار آن قرار می‌دهد، آغاز شده و قرار است تا پایان سال همه اقشار پردرآمد از سبد دریافت یارانه نقدی خارج شوند. به‌تازگی حسن نوروزی، رئیس سازمان هدفمندی یارانه‌ها، در نشستی که در مرکز پژوهش‌ها و توسعه آینده‌نگری وزارت علوم برگزار شده، اعلام کرده تا پایان سال جاری و با همکاری وزارت رفاه، یارانه سه دهک بالایی جامعه (۱۸ میلیون نفر) حذف خواهد شد تا پرداخت‌ها هدفمندتر شود. نوروزی با اشاره به اینکه روش خوداظهاری شکست خورده است، تأکید کرد نیاز به اصلاح بانک اطلاعات خانوار به صورت ثبتی وجود دارد تا دقیق‌تر بتوان یارانه را هدفمند کرد. دولت بر مبنای بند «ت» تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۴۰۴ قصد دارد یارانه ثروتمندان را به اقشار پایین و گروه‌های حمایتی اختصاص دهد.

«شرق» از زمزمه‌های دولت و مجلس برای اصلاح قانون نظارت بر کیفیت ساخت‌وساز گزارش می‌دهد

ایمنی ساختمان اسیر تعارض منافع

شرق: از متروپل آبادان تا مسکن مهر سرپل ذهاب و البته صدها ساختمان بی‌نام‌ونشان دیگر در اخبار سال‌های گذشته وجود دارد که در گوشه شهر روی سر ساکنان خود آوار شده‌اند. کیفیت و ایمنی پایین ساختمان‌های ایران، سال‌های طولانی است که محل بحث بوده و البته در نهایت کسی پاسخ‌گو نیست. در این میان، برخی معتقدند سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور به عنوان متولی اصلی نظارت بر کیفیت ساخت‌وساز مطرح می‌شود، اما خود این سازمان که باید یک سازمان تخصصی و فنی باشد، در سال‌های گذشته حیاط‌خلوت سیاسیون بوده و خبرهای متعددی درباره فساد در بدنه آن وجود دارد. حالا مجلس و دولت از لزوم اصلاح ساختار نظارت بر کیفیت ساختمان می‌گویند و البته کارشناسان می‌گویند وظیفه رگولاتوری و نظارت در تمامی دولت‌های مدرن بر عهده حکمرانی است و حکمرانی باید در ازای آن پاسخ‌گو باشد. آنها توضیح می‌دهند که یک سازمان خصوصی ذی‌نفع و بدون ساختار پاسخ‌گویی، نباید وظیفه ناظر را ایفا کند؛ بااین‌حال، همین زمزمه‌های اصلاح ساختار، صدای شماری از مهندسان ناظر را درآورده و مقابل این موضوع مقاومت می‌کنند.

بررسی کارنامه کیفیت ساخت‌وساز در بهارستان

سازمان نظام مهندسی ساختمان سال‌هاست زیر تیغ انتقاد است؛ سازمانی فنی و کارشناسی که به‌جای انجام وظیفه در حیطه تخصصی خود، در دوره‌های مختلف حیاط‌خلوت سیاسیون بوده است. از اکبر ترکان و احمد خرم تا عباس آخوندی وزرای مسکن و شهرسازی بارها به فساد در این سازمان تاخته و برخی آن را سازمان‌یافته خوانده‌اند. در جست‌وجوی سابقه فعالیت این سازمان، اخبار متعددی از اختلاس و گم‌شدن ارقام کلان پول در نظام مهندسی ساختمان وجود دارد و کلیدواژه «امضاهای طلایی» و «امضافروشی»، از افشاگری درباره مهندسان ناظری که هرگز سر ساختمان‌ها حاضر نشده و با دریافت پول‌های زیرمیزی برگه‌های تأییدیه اجرای ساختمان را امضا می‌کنند. در این میان، اخبار مبنی بر فساد در سازمان نظام مهندسی ساختمان از چشم نمایندگان مجلس هم دور نمانده است و ماجرای فساد در سازمان نظام مهندسی ساختمان و ضعف نظارت این سازمان بر کیفیت و ایمنی ساختمان بارها در مجلس مورد توجه نمایندگان قرار گرفته است. آخرین بار ۱۹ فروردین امسال، کمیسیون عمران در صحن علنی مجلس گزارشی را درباره ارزیابی نتایج اجرا و آسیب‌شناسی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان قرائت کرد. در همین نشست، محمدرضا احمدی‌سنگر گفت: هیچ شفافیتی وجود ندارد که هزینه دریافتی از مالکان ساختمان صرف نظارت بر حسن اجرای کار و کیفیت ساختمان می‌شود و گزارش‌های متعددی وجود دارد که مهندسان ناظر، نظارت و بازدید مناسبی از ساختمان‌ها نداشته و فقط برگه مربوط به کنترل و نظارت ساختمان را امضا می‌کنند. حمیدرضا عزیزی‌فارسانی، دیگر نماینده مجلس نیز تأکید کرد: «از ۳۰ سال پیش قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان طراحی و به اجرا درآمده است، اما متأسفانه این قانون به اهداف اصلی خود که امنیت روانی و فیزیکی مصرف‌کننده بوده، دست پیدا نکرده است». او با تأکید بر اینکه اصلاح قانون نظارت بر حسن اجرای ساختمان حق مردم است، گفت: «متأسفانه سازمان نظام مهندسی در قانون فعلی هم مجری، هم ناظر و هم ذی‌نفع است که این مسئله راه تعارض منافع در این بخش را باز گذاشته است و نظارت در قالب این قانون بیشتر جنبه نمایشی دارد». مصطفی معینی نیز توضیح داد: قانون نظام مهندسی قانون خوبی است، اما ضعف در اجرای قانون، فساد و رانت در صدور مجوزها، نبود ضمانت اجرائی کافی و مشکلات در صدور پروانه ساختمان، از جمله ضعف‌های این قانون به حساب می‌آیند و باید برای رفع این کاستی‌ها فکری کرد. علی خضریان، دیگر نماینده مجلس، به سیاست‌زدگی سازمان نظام مهندسی اشاره کرد و گفت: این سازمان یک سازمان فنی و تخصصی است، اما متأسفانه امروز رویه سیاسی در مدیریت آن وجود دارد. بنابراین باید به موضوع سیاسی‌شدن نظام مهندسی نگاهی جدی شود؛ چراکه با روی کار آمدن هر دولت، ساختار این سازمان به هم ریخته و تبدیل به حیاط‌خلوتی برای پیگیری اهداف سیاسی می‌شود. او در ادامه تأکید کرد: «امروز اتفاقات در حوزه ساخت‌وساز ما را به نقطه‌ای رسانده که شاهد ساخت ساختمان‌های ناایمن، غیرفنی و به عبارتی بسازوبفروش هستیم که نیاز است مجلس به آن ورود کند». جواد نیک‌بین، نماینده دیگری است که به ضعف نظارت بر ساختمان از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان اشاره کرده و گفت: «خیلی از ساختمان‌هایی که ساخته می‌شود، پس از ۱۰، ۱۵ سال به بافت فرسوده تبدیل می‌شوند. بنابراین نظام مهندسی نیازمند بازنگری جدی است». او با اشاره به تعارض منافع در سازمان نظام مهندسی، تأکید کرد: «بسیاری از افراد در این سازمان دارای چندین شغل هستند و نمی‌توانند زمان لازم را برای نظارت اختصاص دهند. از این رو شاهد خرید و فروش امضاهای طلایی در این سازمان هستیم. ضمن اینکه آیین‌نامه داخلی سازمان و زیرمجموعه توسط وزیر نوشته می‌شود که مخالف اصل قانون است. این در حالی است که سازمان نظام مهندسی، مجموعه‌ای فنی بوده، نه سیاسی. بنابراین باید این سازمان به رشته تخصصی خود بپردازد». علیرضا سلیمی نیز در این نشست تأکید کرد: «نظام مهندسی ساختاری فنی دارد، اما متأسفانه تبدیل به ساختار سیاسی و بنگاه پول‌سازی برای افرادی خاص شده که این آسیب بوده و باید جلوی آن گرفته شود». نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه در این سازمان انحصار وجود دارد، گفت: «انحصار موجب رانت برای عده‌ای ویژه‌خوار شده است که در امور سیاسی ید طولایی دارند که باید قانون شفافیت مالی در این زمینه پیگیری شود؛ چراکه هزاران پول با یک امضا ردوبدل می‌شود و نظارت میدانی به طور جدی وجود ندارد». منافع گزاف و منابع مالی سنگینی که در سازمان نظام مهندسی ساختمان جابه‌جا می‌شود، آن‌قدر جاذبه دارد که هر دوره در انتخابات نظام مهندسی ساختمان، حواشی و دعوا بالا می‌گیرد و زمزمه‌هایی شنیده می‌شود که دست‌های پنهان به دنبال زیر فشار گذاشتن وزرا برای مهندسی انتخابات این سازمان هستند.

قیمت‌گذاری دستوری خدمات مهندسی، عامل فساد

در این میان، مهندسان ناظر نیز حرف‌هایی برای گفتن دارند. آنها به قیمت‌گذاری دستوری خدمات سازمان نظام مهندسی معترض هستند و می‌گویند این ارقام گاهی آن‌قدر ناچیز است که کفاف معیشت مهندسان ناظر را نمی‌دهد و همین مسئله زمینه‌ساز بروز فساد و فروش امضا بوده است. به گفته مهندسان ناظر، تعرفه خدمات مهندسان ناظر در مواردی به کمتر از یک درصد قیمت کل ساختمان می‌رسد؛ حال آنکه مهندسان ناظر وظیفه و مسئولیت سنگینی در قبال ایمنی ساختمان به دوش دارند. با وجود این، دولت حاضر نیست پایش را از انتخابات سازمان نظام مهندسی ساختمان و قیمت‌گذاری دستوری برای خدمات آن بیرون بکشد و بار زیان اصلی این ماجرا بر دوش مصرف‌کنندگانی می‌افتد که قربانی ساختمان‌های ناایمن شده‌اند؛ از متروپل آبادان گرفته تا مسکن مهر سرپل ذهاب. عمر مفید ساختمان در ایران به زحمت به ۳۰ سال می‌رسد؛ این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، میانگین عمر مفید برخی ساختمان‌ها گاهی تا صد سال می‌رسد. عمر پایین ساختمان‌ها در ایران، نه‌تنها کیفیت و ایمنی ساختمان را برای مصرف‌کنندگان در معرض تهدید قرار داده است، بلکه حالا تولید بالای ضایعات ساختمانی، موجب هدررفت ارقام کلان سرمایه ملی و تشدید آسیب به محیط زیست شده است.

رگولاتوری وظیفه دولت است

این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که در تمام دولت‌های مدرن جهان، وظیفه نظارت و رگولاتوری بر عهده دولت و بازار و قیمت‌گذاری و بنگاه‌داری در دستان بخش خصوصی است و تشکل‌های بخش خصوصی بدون دخالت دولت اداره می‌شوند. در همین زمینه، پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان، تأکید می‌کند: «واگذاری کنترل کیفیت ساختمان به سازمان نظام مهندسی باعث تداخل ساختاری شده و نظارت و رگولاتوری وظیفه دولت و حکمرانی است». او با اشاره به اصلاح قانون نظام مهندسی ساختمان در کمیسیون عمران مجلس، ساختار فعلی این سازمان را گرفتار تعارض منافع، نبود پاسخ‌گویی و خلط وظایف حاکمیتی توصیف کرده و در یک برنامه تلویزیونی گفته است: «در تمام دنیا وظیفه نظام مهندسی در حوزه آموزش، رتبه‌بندی و پایش دانش مهندسان تعریف شده، نه کنترل ساخت‌وساز که ذاتا یک مسئولیت حاکمیتی و بر عهده دولت است و واگذاری کنترل ساختمان به سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان به‌جای نهادهای حاکمیتی، منجر به شکل‌گیری تداخل ساختاری با شهرداری‌ها شده و منشأ بسیاری از تنش‌ها در پروژه‌های عمرانی است». او با تأکید بر اینکه کنترل ساختمان باید در اختیار نهادهایی مثل شهرداری و استانداری باشد، ادامه داد: «متأسفانه این وظیفه به اشتباه به نظام مهندسی سپرده شده و همین خلط وظیفه، مشکلات زیادی ایجاد کرده و لازم است ساختار نظارتی نظام مهندسی ساختمان اصلاح شود؛ چراکه مسئولیتی به این سازمان سپرده شده است، اما در ازای آن پاسخ‌گویی ندارد و این سازمان نه استیضاح می‌شود و نه سازوکار روشنی برای بازخواست دارد. بنابراین وقتی نهادی با ظاهری خصوصی وظایف حاکمیتی دارد ولی نظارت‌پذیر نیست، نتیجه‌اش نوعی خودکامگی ساختاری است». جوزی با انتقاد از شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان، اضافه کرد: «این شورا از دل هیئت‌مدیره انتخاب می‌شود و بالطبع تحت تاثیر همان ساختار رأی‌گیری است».

عکس: سهند تاکی/ شرق

معاون وزیر راه: به دنبال اصلاح ساختار هستیم

البته دولت هم منکر لزوم اصلاح این ساختار نیست و حبیب‌اله طاهرخانی، معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی، درباره لزوم واگذاری امر کنترل ساخت‌وساز به نهادهای حاکمیتی، به «شرق» می‌گوید: بازنگری قانون نظام مهندسی ساختمان در دستور کار مجلس قرار دارد و نقش بازرسی و نظارت باید به‌طور دقیق تفکیک شود. او در عین حال تأکید می‌کند که ایجاد ساختار نظارت و رگولاتوری دولت بر کیفیت ساخت‌وساز، زمان‌بر است و نیاز به مطالعه و کارشناسی دقیق دارد تا بتواند مشکلات قبلی را برطرف کند، اما تا زمانی که این ساختار ایجاد نشود ناچار به تبعیت از قوانین فعلی هستیم. بااین‌حال، همچنان جمعی از مهندسان ناظر مقابل این تصمیمات مقاومت می‌کنند و در میانه مرداد امسال، با تجمع مقابل شورای اسلامی شهر تهران، به این تصمیمات اعتراض کرده و آن را باعث تضعیف جایگاه سازمان نظام مهندسی و کاهش کیفیت ساختمان دانستند و آن را قربانی‌کردن ایمنی ساختمان خواندند. این در حالی است که منتقدان می‌گویند این دسته از معترضان درباره کدام کیفیت و ایمنی ساختمان صحبت می‌کنند و کارنامه عملکرد سازمان نظام مهندسی ساختمان در این زمینه روشن است و نیازی به توضیح واضحات ندارد و البته این سازمان درباره قربانی‌کردن ایمنی با تعارض منافع پاسخ‌گو هم نبوده است.

چرا تشکیل وزارت انرژی راهگشا و ضروری است؟

سیدحسین میرافضلی: زمانی شرکت‌های آب و برق در هم ادغام و وزارت نیرو تشکیل شد که عمده برق کشور از طریق سدها تأمین می‌شد؛ اما اکنون بیش از ۸۵ درصد برق از طریق نیروگاه‌های حرارتی (گاز، گازوئیل و مازوت) تولید می‌شود. در حال حاضر، عمده‌ترین وظیفه وزارت نیرو تأمین برق است و در حوزه آب و سایر امور در اختیار این وزارتخانه سرمایه‌گذاری چندانی انجام نمی‌شود. در حوزه سدسازی نیز برخی سدهای کوچک و متوسط از سوی شرکت‌های همکار یا وابسته به وزارت جهاد کشاورزی ساخته می‌شوند. یکی از معضلات کنونی کشور، مصرف بی‌رویه گاز در نیروگاه‌های با راندمان پایین است. مالکان نیروگاه‌ها چون گاز مجانی دریافت می‌کنند و قیمت برق نیز اندک است، انگیزه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری‌های ده‌ها میلیون دلاری برای افزایش راندمان نیروگاه‌ها و تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی ندارند و شرکت ملی گاز نیز نمی‌تواند رأسا در این زمینه اقدام کند؛ چراکه متولی این حوزه وزارت نیرو است. چنانچه وظایف وزارت نیرو وزن‌دهی شوند، شاید ۷۰ درصد وزن وظایف وزارت نیرو تأمین برق مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور باشد. نیروگاه‌ها روزانه حدود ۲۵۰ میلیون و سالانه حدود ۸۰ میلیارد مترمکعب گاز مصرف می‌کنند که ارزش واقعی گاز تحویلی به آنها، براساس قیمت گاز صادراتی، بیش از ۲۰ میلیارد دلار است. ادغام حوزه برق وزارت نیرو در وزارت نفت و تشکیل وزارت انرژی یک تحول ساختاری است. این تحول ساختاری نه‌تنها به دنبال کاهش موازی‌کاری و افزایش کارایی است، بلکه هدف آن ایجاد یک وزارتخانه یکپارچه حوزه انرژی است. وزارت نفت مسئولیت مدیریت منابع نفت و گاز، تولید فراورده‌های نفتی و صادرات انرژی را بر عهده دارد. براساس آمار سال ۱۴۰۳، ایران روزانه بیش از ۳.۳ میلیون بشکه نفت خام و ۸۵۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی تولید می‌کند که بخش عمده‌ای از آن به مصرف داخلی و صادرات اختصاص می‌یابد. وزارت نیرو نیز مسئولیت تولید و توزیع برق، مدیریت منابع آب و توسعه زیرساخت‌های انرژی برق‌آبی را بر عهده دارد. در سال ۱۴۰۳، ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور به ۹۵ هزار مگاوات رسیده است. بااین‌حال، ۹۳ درصد انرژی مورد نیاز نیروگاه‌ها از طریق گاز طبیعی و فراورده‌های نفتی تأمین می‌شود که وابستگی شدید وزارت نیرو به وزارت نفت را نشان می‌دهد. وزارت انرژی می‌تواند مسئولیت مدیریت همه منابع انرژی از جمله نفت، گاز، برق و انرژی‌های تجدیدپذیر را بر عهده بگیرد. این امر باعث می‌شود سیاست‌های انرژی کشور به صورت یکپارچه و هماهنگ اجرا شوند و از تعارض منافع و گزارش‌سازی‌های ویترینی جلوگیری شود.

نمونه‌های موفق جهانی

روسیه: وزارت انرژی روسیه مسئولیت مدیریت همه منابع انرژی ازجمله نفت، گاز و برق را بر عهده دارد. این وزارتخانه با ایجاد یک ساختار یکپارچه، توانسته است بهره‌وری انرژی را افزایش دهد.

چین: وزارت انرژی چین نیز با ادغام بخش‌های نفت، گاز و برق، برنامه‌های توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را با موفقیت اجرا کرده و به یکی از پیشروان جهانی در این حوزه تبدیل شده است. تحول ساختاری در حکمرانی انرژی و آب نه‌تنها به کاهش موازی‌کاری و افزایش کارایی منجر می‌شود، بلکه امکان مدیریت یکپارچه منابع انرژی و آب را فراهم می‌کند. نمونه‌های موفق جهانی نشان می‌دهند این رویکرد می‌تواند به افزایش بهره‌وری و مدیریت مصرف گاز و انرژی کمک کند. پیشنهاد می‌شود بخش آب وزارت نیرو با وزارت جهاد کشاورزی ادغام و وزارت آب و کشاورزی تشکیل شود. ادغام در سازمان محیط زیست نیز مطرح شده ولی به نظر می‌رسد حوزه آب با مسئولیت‌های وزارت جهاد کشاورزی سنخیت بیشتری داشته باشد. حدود ۸۰ درصد آب نیز در حوزه کشاورزی مصرف می‌شود که نیاز به مدیریت یکپارچه دارد. در حال حاضر، متقاضیان خرد خانگی و کلان صنعتی و کشاورزی برای انشعابات آب، برق و گاز، ضمن مراجعات مکرر به سازمان‌های متعدد، نیازمند هزینه‌کرد و صرف زمان طولانی برای بهره‌گیری از خدمات ذکرشده هستند و بعضا اختلاف میان سازمان‌ها و روال‌های مختلف برای اشتراک‌پذیری و رعایت حریم‌های جغرافیایی و اخذ استعلام‌های متعدد، موجبات نارضایتی مشترکان را پدید می‌آورد و مدیریت صحیح حوزه انرژی را با مشکلات متعدد مواجه کرده است. با تأسیس وزارت انرژی، به‌جای فیش برق و گاز، فیش انرژی صادر می‌شود. این اقدام نقشی مهم و بنیادی در مدیریت صحیح مصرف انرژی خواهد داشت. در دهه‌های اخیر، افول سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت برق، به‌ویژه پس از ناترازی‌های جدی در تولید و مصرف، بروز خاموشی‌ها و نیز تمرکز دولت بر حفظ پایداری شبکه از طریق مدیریت مصرف، به یک مسئله مهم در این صنعت تبدیل شده است. با توجه به اینکه دولت و وزارت نیرو نیز منابع مالی کافی برای توسعه زیرساخت‌های صنعت برق را در اختیار نداشته و هر سال در تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده در اسناد و قوانین بالادستی مانند برنامه‌های توسعه دچار عقب‌افتادگی بیشتری می‌شوند، چاره‌ای جز مدیریت متمرکز حوزه انرژی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی وجود ندارد. تحقق این مهم مستلزم ایجاد یک نگرش فرابخشی، منسجم و کلان به حوزه انرژی است و تصمیم‌گیری‌های یکپارچه در حوزه انرژی باید تحت مدیریت یک وزارتخانه واحد انجام شود تا امکان هم‌افزایی در ظرفیت‌های گاز و برق و ایجاد بهره‌وری حداکثری در این حوزه‌ها فراهم شده و منافع ملی به بهترین شکل تأمین شوند.

ادامه در صفحه ۵

دیدگاه

نقشه‌راه بازسازی اقتصاد ایران پس از جنگ تحمیلی

رضا موسایی، کارشناس مسائل اقتصادی:

با فرض تشدید درگیری‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل، کشور وارد مرحله‌ای جدید و پیچیده از حکمرانی بحران خواهد شد؛ مرحله‌ای که نه‌تنها نیازمند بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی، بلکه مستلزم بازیابی ثبات اقتصادی و بازآرایی سیاست‌های صنعتی است. در همین راستا، دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید دانشگاه امام صادق(ع) در گزارشی با عنوان «ارتقای تاب‌آوری اقتصاد و صنعت ایران در دوره پساجنگ»، مدلی منسجم برای مدیریت این دوران حساس ارائه داده است که در ادامه به تشریح محورهای اصلی آن می‌پردازیم.

سه ستون اصلی بازسازی: تاب‌آوری، شفافیت و مشارکت

مدل پیشنهادی این گزارش بر سه ستون بنیادین استوار است:

۱. تاب‌آوری ساختاری: طراحی سیاست‌هایی که اقتصاد کشور را در برابر شوک‌های امنیتی، ارزی یا انرژی مقاوم کند.

۲. شفافیت حکمرانی: ایجاد سازوکارهایی که تصمیم‌سازی و تخصیص منابع را در فضایی پاسخ‌گو، داده‌محور و نظارت‌پذیر قرار دهد.

۳. مشارکت چندسطحی: فعال‌سازی ظرفیت‌های دولت، بخش خصوصی، نهادهای عمومی و جوامع محلی در فرایند طراحی و اجرای بازسازی.

این مدل با ترکیب تجارب موفق جهانی و اقتضائات خاص ایران طراحی شده و موفقیت آن به اراده سیاسی و هماهنگی نهادی وابسته است.

۵ گام عملیاتی در مدل بازسازی اقتصاد

این مدل سیاستی، پنج محور کلیدی را برای دوران پساجنگ پیشنهاد می‌کند:

۱. بازنگری در سیاست صنعتی؛ تمرکز بر امنیت و فناوری: سیاست صنعتی ایران باید از وابستگی به کالاهای واسطه‌ای وارداتی عبور کرده و به سمت توسعه صنایع پیشرو در حوزه‌هایی مانند انرژی، تجهیزات زیرساختی، امنیت غذایی، فناوری اطلاعات و دارو حرکت کند.

۲. تأسیس نهاد ملی بازسازی؛ یک ستاد فرماندهی فرابخشی: تجربه جهانی نشان می‌دهد در شرایط پساجنگ، یک نهاد متمرکز با اختیارات ویژه می‌تواند موتور محرک بازسازی باشد.

۳. ابزارهای نوین تأمین مالی؛ از اوراق مشارکت تا بانک بریکس: با توجه به محدودیت منابع دولتی، بازسازی باید از ترکیبی از منابع مالی داخلی و بین‌المللی بهره ببرد. انتشار اوراق مشارکت بازسازی در بورس، جذب هدفمند منابع صندوق توسعه ملی، سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای همسو و استفاده از ظرفیت نهادهایی مانند بانک توسعه بریکس و بانک زیرساخت آسیا (AIIB) از جمله راهکارهای پیشنهادی است.

۴. ایجاد مناطق ویژه بازسازی در نقاط مرزی و آسیب‌پذیر: این الگو تأکید دارد که مناطقی در استان‌های آسیب‌دیده یا دارای موقعیت ژئوپلیتیک خاص، به عنوان «مناطق ویژه بازسازی» تعریف شوند.

۵. نظام ارزیابی شفاف و داده‌محور: هیچ سیاستی بدون سنجش و پایش، مدیریت‌پذیر نیست. این مدل بر طراحی یک «نظام جامع ارزیابی بازسازی» تأکید دارد که شاخص‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی را به صورت دوره‌ای و شفاف پایش کند.

یک مدل جهانی، با ۳ فاز اجرائی برای ایران

اگرچه این مدل بر پایه تجارب جهانی طراحی شده، اما بومی‌سازی آن با توجه به چالش‌هایی مانند تحریم، شکاف اعتماد عمومی و تمرکزگرایی نهادی ضروری است. ازاین‌رو اجرای آن در سه فاز زمانی پیشنهاد می‌شود:

● فاز اول (سه تا شش ماه نخست): تمرکز بر تثبیت اقتصادی، راه‌اندازی نهاد ملی بازسازی و اجرای سیاست‌های حمایتی فوری. ● فاز دوم (شش تا ۱۸ ماه): اجرای پروژه‌های زیرساختی اولویت‌دار و فعال‌سازی مناطق ویژه بازسازی. ● فاز سوم (۱۸ ماه به بعد): تثبیت حکمرانی نوین، گسترش سرمایه‌گذاری و ارتقای تاب‌آوری بلندمدت اقتصاد.

تبدیل بحران به فرصتی برای اصلاحات ساختاری

دوران پساجنگ، اگر با هوشمندی راهبری شود، فقط دوره‌ای برای جبران خسارت‌ها نیست، بلکه فرصتی تاریخی برای اصلاحات عمیق در ساختار اقتصادی و صنعتی کشور است.